

دوره‌ی درهای بسته

به روایت لطف‌الله صالحی

سیده اعظم حسینی





انتشارات روایت فتح، ۷۵۶/۱۹۸

حسینی، سیده اعظم، ۱۳۵۱-
دوره‌ی درهای بسته به روایت لطف‌الله صالحی/سیده اعظم حسینی.
تهران: موسسه فرهنگی روایت فتح، ۱۳۹۴.
۲۵۶ص: مصور، عکس: ۱۹×۵/۹ س.م.
انتشارات روایت فتح: ۷۵۶/۱۹۸. دوره‌ی درهای بسته: [ج] ۱۰.
۶-۲۸-۰۰۳۳-۶۰۰-۹۷۸: ۱۵۰۰۰۰ ریال

فیبا

صالحی، لطف‌الله، ۱۳۳۴-
جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- آزادگان -- خاطرات
جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- اسیران -- خاطرات
دوره‌ی درهای بسته: [ج] ۱۰.

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

ج. ۱۰ ۱۶۲۸/۵۸۳ DSR

۱۳۹۴

۳۹۵۷۲۲۰

کتابخانه‌ی ملی ایران



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

دوره‌ی درهای بسته (به روایت امام صادق علیه السلام)

سیده اسمعیله حسینی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴، شمارگان: ۱۰۰، نسخه

محقق: روح‌الله حسینی، مشاور تألیف: محمد قاسمی‌پور

ویراستار: زهره علی‌عسگری، چاپ: روزنامه جوان

شابك: ۶-۰۲۸-۳۳۰-۶۰۰-۹۷۸، قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

حقوق چاپ و نشر برای روایت‌فتح محفوظ است. تلفن: ۸۸۸۰۹۷۴۸

فتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

نشانی: میدان فردوسی، سپهبد قرنی، شهید فلاح‌پور، شماره‌ی ۴

هر يك از كتاب‌های «دوره‌ی درهای بسته» اسارت را از زبان یکی از آزادگان روایت می‌کند. در نوشتن این کتاب‌ها، که بنا بر دید تصویری با روایت‌های گوناگون از اسارت ارائه کند، سعی شده است فضایی روایی در کار آفریده شود. البته این کوشش به هیچ روی دست‌آویزی برای دست بردن در وقایع یا افزودن رخ‌دادهای خیالی به متن واقعیت قرار نگرفته است. آنچه در این مجموعه آمده است بازنوشته‌ی وقایع حقیقی است.

«همین که فهمیدیم این با اردوگاه است و از این به بعد باید پشت این دیوارهای بلند و تنگ و تاریک زندگی شویم، غم و افسردگی شدیدی روی چهره‌ی بچه‌ها نشست. همه رفتند توی عالم خودشان و سکوت عجیبی برقرار شد. احساس تنهایی لحظه را هنوز به یاد دارم. مثل پرنده‌ای بودم که می‌خواهند به بالش را بچینند و بپندازندش توی قفس. نزدیک در ورودی اردوگاه با خط دشت روی تابلوی آبی رنگی نوشته بودند «قصص الاسراء». شاید اوایل بار بود که یک عبارت، عمق معنایش را این‌طور با قدرت در ذهن فرو می‌کرد. دیگر باورم شد که از این‌جا به بعد، مسیر زندگی‌ام عوض شده و یک اسیرم».

این‌ها حرف‌های لطف‌الله صالحی است در اولین روز ورودش به اردوگاه موصل. جایی که نزدیک به ده سال از بهترین دوران عمر یعنی جوانی‌اش را آن‌جا گذرانده. او این ده سال را از دست نداد بلکه زندگی کرد، چون توانست با عشق و اعتقاد، معنای اسارت را برای خودش عوض کند.